

امریکا و سران جمهوری اسلامی در مقطع قیام بهمن ۵۷

خاطرات ویلیام سولیوان سفير سابق امريكا در ايران

آنچه در زیر میخوانید ترجمه و تلخیصی است از بخشهای مختلف کتاب "ما موریت برای ایران" نوشته ویلیام سولیوان سفير سابق آمریکا در ایران. این کتاب حاوی نکات تاریخی مهم و افشاگرانه‌ای است درباره چگونگی سقوط شاه و زدن پند هاشمی که در جریان به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی صورت گرفته بود. آن قسمت‌هایی از کتاب که آموزنده‌تر و مهم‌تر به نظر می‌رسد در چند شماره "جهان" درج می‌گردد.

صحیح حکومت آمریکا را که میتواند منافع حیاتی ما را در ایران حفظ کند تعیین کند اندکی بعد از اینکه از هاری به نخست‌وزیری انتخاب شده به این نتیجه رسیدم که استقرار حکومت نظامی نه‌اندیشه آخرین ناهش‌شاه است. اگر حکومت نظامی نتواند نظم و قانون را برقرار کرده و تولید صنعتی را به حالت قبل برگرداند انقلاب قطعاً بی‌روز خواهد شد و ما باید نتایج آنرا بپذیریم. در نهم نوامبر ۱۹۷۸ تلگرافی مشتمل بر سیاست آینده مان تهیه کرده و توصیه‌های لازم را متذکر شدم. در این تلگراف مجدداً برخی از کلیشه‌های اساسی در مورد ایران را یادآوری کرده و تغییرات آنرا ارزیابی نمودم. مثلاً این امر را - متذکر شدم که ثبات در ایران بر دو رکن استوار است: حکومت سلطنتی و مذهب شیعه. در ۱۵ سال گذشته رکن مذهبی به میزان قابل توجهی مطلوب رکن دیگر یعنی حکومت سلطنتی شده است. تغییرات در نیروهای مذهبی آشکار بوده اما لازم بود آنچه بر حکومت سلطنتی میگذشت مورد مطالعه قرار گیرد.

سلم بود که حمایت توده‌ای از شاه به میزان بسیار قابل توجهی کاسته شده و تنها قدرت واقعی او ناشی از ارتش بود درحالی‌که قبلاً هر نظری شاه را رکن سلطنت می‌شناخت. این تغییر کاملاً آشکار شده بود و این رابطه با استقرار حکومت نظامی

در تهران بخش سیاسی ما فعالیت با نهضت آزادی تحت رهبری بازرگان در تماس بوده و از گرایش او در مورد انقلاب آگاه بود.

درست بموقع تماس ما با آیت‌الله بهشتی برقرار شد. واسطه این تماس یکی از کارمندان فارسی زبان سرویس خارجی ما بود که قبلاً در تهران خدمت کرده و برای گسترش رابطه ما با گروه‌های انقلابی (روحانیون) توسط من به ایران فراخوانده شده بود. هر دوه بازرگان و بهشتی شخصیت‌های جالبی بودند. علی‌رغم روابط نزدیک آمریکا با شاه، کلاً نسبت به ایالات متحد آمریکا گرایش داشتند. بنظر می‌رسید که ایندو این امر را تشخیص میدادند که تهدید اصلی برای آینده ایران از ناحیه شوروی است نه آمریکا و بر این امر اعتقاد داشتند که آمریکا علی‌رغم رابطه نزدیک با شاه، برای مدتها می‌تواند نیروی برای پیشرفت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران بوده است. ما بهر حال کاملاً مطمئن نبودیم که آیا گرایشی که آنها بهما عرضه میکردند همان گرایشی بود که در بین هواداران آنها وجود داشت، مخصوصاً در مورد گرایش‌های آن جوان‌های رادیکالی که فعالیت مخالفین را در خیابانها و شهرهای بزرگ رهبری میکردند، مطمئن نبودیم با توجه به این گرایش‌های متضاده سعی کردم از وضعیت ارزیابی کرده و عملکرد

تغییر یافته بود و وضعیتی را ایجاد کرده بود که نشان دهنده قدرت ارتش بوده. ارتشی که شاه را حمایت میکرد. من احساس میکردم که این وضعیت جدید ما را ملزم میکند - رابطه عملی و بالقوه بین ارتش و مذهبیین را بررسی کنیم.

من وضعیتی را پیشنهاد میکردم که بر اساس آن نه تنها شاه بلکه اغلب افسران عالی‌رتبه ارتش میبایستی کشور را ترک کنند و توافق بر سر ماهیت رژیم آیند بین رهبران مذهبی و رهبران نظامی انجام شود. در این توافق‌ها آیت‌الله خمینی می‌بایستی دولتی به رهبری چهره‌های لیبرال مثل بازرگان و میناچی تشکیل میداد و بدینوسیله از تشکیل حکومتی از نسوع "ناصر - نذافی" که فکر میکردم او بیشتر خوش می‌آید برحذر می‌ماندیم. این امور می‌بایستی طی یک سری انتخابات برای مجلس مؤسسان، قانون اساسی جدید و بالاخره پارلمان انجام میشد.

به نظر من رهبری مذهبی از جمله خود خمینی با این طرح موافقت میکردند زیرا اهداف اصلی آنها را که شامل حذف شاه، جلوگیری از خونریزی و داشتن ارتش برای استقرار نظم به نفع رژیمشان بود در بر میگرفت.

این طرح از نقطه نظر ما هم رضایت بخش بود زیرا مانع هر هرج و مرج شده و یکپارچگی ایران را تامین کرده، استقرار رهبری تندرو را غیرممکن ساخته و تسلط شوروی بر خلیج فارس را عمیقاً مسدود میکرد. در این معامله چیز عمده‌ای که ما از دست میدادیم عبارت میشد از کاهش در روابط نظامی و امنیتی، تغییر موضع ایران از طرفداری از اسرائیل به ضد صهیونیسم و تا اندازه‌ای وفق در روابط و معاملاتمان. گرچه چنین قراردادی در مقایسه با - قراردادهایی که در زمان شاه از آن سود می‌جستیم کمتر به مذاقمان خوش می‌آمد.



امریکا و

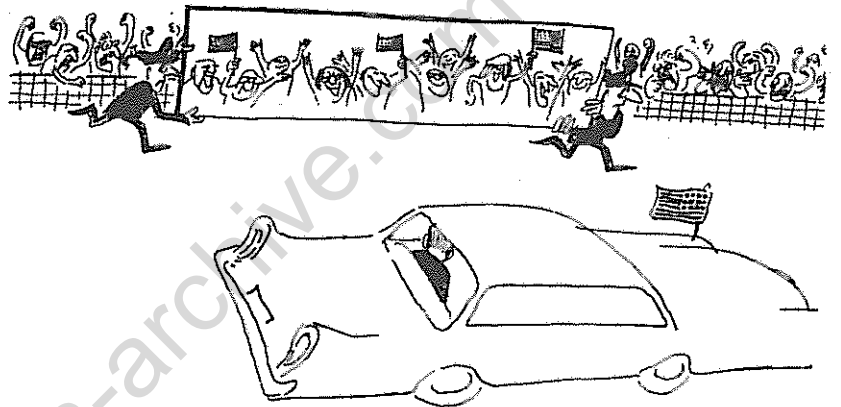
سران جمهوری اسلامی...

بقیه از صفحه ۳۶

اما این طرح مسلماً بهتر از آن بود که يك انقلاب نوریس به پیروزی برسد و یکبارچگی نیروهای مسلح از بین برود. از اینرو من پیشنهاد کردم که به آنچه باور نکردنی بود فکر کنند و برای این امر ممکن، آماده شوند. از گزارش‌های بعدی چنین نتایجم شد

... من انتظار داشتم که پیشنهادم در واغنگتن جدی گرفته شود و به من رهنمود عمل بدهند. اما واغنگتن هیچگاه به ایسن تلگراف پاسخی نداد.

نوامبر را پشت‌سر گذاشته و وارد ماه دسامبر میشدیم بدون آنکه دستورالعملی از وزارت خارجه یا واغنگتن بطور کلی دریافت کنیم. سخنگوی وزارت خارجه و خود رئیس جمهور مرتباً حمایت خود را از راه اعلام میکردند. این حمایت آنچنان مرتب و پی-



که این تلگراف در واغنگتن موجب مقداری توهم و ناراحتی شده بود. توهم و ناراحتی نه بخاطر پیشنهادات من بلکه بخاطر اینکه اولین بار بود که رئیس جمهور از این امر مطلع میشد که شاه ممکن نیست دوام بیاورد و رفتنی است. تا آن موقع یا رئیس جمهور آنقدر سرگرم مسائل کمپ دیوید بود که فرصت پرداختن به مسئله ایران را نداشت یا اینکه گزارش‌دهندگان امنیت ملی (منظور جناح برزیل‌سکی است) نخواستند بودند او را با مسائل ایران نیز درگیر کنند. در هر حال کارتر بعد از دریافت تلگرام من، یادداشت‌های دست‌نویسی به مایروس-ونس، برزیل‌سکی، براون و ترنر رئیس‌سیاست نوشت مبنی بر اینکه چرا در مورد وضعیت ایران به او گزارش (دقیق) داده نشده است. بنابر دلائل مرموزی که به رهبری کاخ سفید مربوط میشود بعد از این یادداشت‌های دست‌نویس به خارج کاخ سفید نفوذ کرده و در مطبوعات چاپ شدند.

در پی اعلام میشد که بین رسانه‌های گروهی آمریکا بصورت چوک‌درآمده بود. حتی خود شاه بمن میگفت که از تکرار بی‌دری این امر خجالت می‌کشد. میگفت این امر او را آلت‌نست آمریکا معرفی کرده و به اعتبار و استقلالش لطمه می‌زند!!

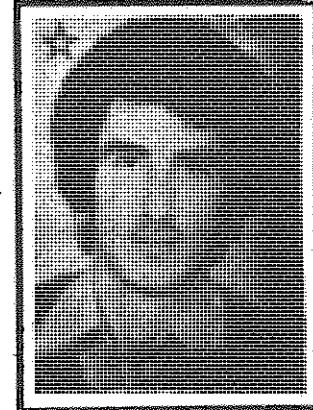
... تظاهرات روز عاشورا مسالمت‌آمیز بود. بین دولت‌آزهار و نمایندگان گروه‌های اپوزیسیون توافق شده بود که در روزهای تاسوعا و عاشورا برخوردی ایجاد نشود. بهر حال هجوم مردم به خیابان‌ها غیرقابل اجتناب بود. اردشیر زاهدی که باهلیکوپتر راهپیمایی را مشاهده کرده بود جمعیت را ۴۰۰ هزار نفر تخمین می‌زد در حالیکه رادیو بی‌بی‌سی جمعیت را دو میلیون نفر اعلام کرده، ولی مطابق بهترین تخمین سفارت در این دو روز هر روز يك میلیون نفر به خیابان‌ها آمدند. بطور کلی، علیرغم مراسم عزاداری، مردم نسبتاً آرام بودند. پلیس و ارتش از مسیر راهپیمایی دور نگهداشته

شده بودند. فرصت برخورد سیاسی که ممکن بود سرنوشت رژیم شاه را تعیین کند با استفاده از ظرفیت‌های پذیرایی ایرانی از دست (مردم) خارج شد. مشکلات قدیمی همچنان برجای باقی ماند اعتماد بیون مناطق نفتی، هواپیمایی، برق و دیگر بخش‌های عمده صنعتی فعالیت خود را از سر گرفتند. کاهش مواد سوختی، گازوئیل و سایر وسائل حیاتی گسترش یافت. شورش مخصوصاً در اطراف دانشگاه تهران از سر گرفته شد. استقرار نظم توسط دولت از هاری امید بخش نبود.

بیستم دسامبر شب در خانه بودم که از هاری تلفن کرد و از من خواست بدیدنش بروم. ساعت ۳ بعد از ظهر روز ۲۱ دسامبر بملاقاتش رفتم. وقتی وارد اتاقش شدم، با کمال تعجب مشاهده کردم که در گوشه اتاق چراغی روشن است و از هاری در حالیکه پیژامای راه‌راهی پوشیده زیر يك پتوی ارتشی روی برانکار دراز کشیده است. این منظره من را بیاد مصداق انداخت که معمولاً مقامات دولتی و مطبوعات را در همین وضعیت به حضور می‌پذیرفت. بعد از اینکه کنارش نشستیم گفت بیماریش خیلی جدی نیست و بزودی کارش را مجدداً از سر خواهد گرفت. در مورد مشکلاتی که برای استقرار نظم و قانون داشت برایم گفت و درباره دستورات مکرری که از شاه برای اداره حکومت نظامی به او میرسید توضیح داد. میگفت که نظامیان تقریباً نزدیک به چهار ماه است که در خیابان‌ها هستند و عذیداً روحیه‌شان تضعیف شده است. اینکه فقط مجازند در مقابل هرگونه فناری فقط تیر هوایی شلیک کنند آنها را در وضعیت شوک قرار داده است.

سپس چنین ادامه داد که: "شما با یستی اینرا بدانید و به دولت خودتان هم اطلاع بدهید که این مملکت از دست رفت بخاطر اینکه شاه قادر نیست تصمیم بگیرد" ستمش را فخرم و از او خدا حافظی کردم.

بقیه در صفحه ۹



فدایی شهید
رفیق شاهرخ میثاقی

دوره بر فدائی خلق رفیق شاهرخ میثاقی اولین شهید جنبش
دانشجویان خارج از کشور

اولین سالگرد شهدا در رفیق شاهرخ میثاقی را گرامی داریم

۱۴ ژانویه امسال اولین سالگرد رفیق شاهرخ میثاقی، عضو فعال تشکیلات هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در مانیل (فیلیپین) بهشت مزدوران رژیم جمهوری اسلامی میباعد. پیروزیهای درخشان جنبش دانشجویی در افشای چهره ددمنش و ضدبشری رژیم جمهوری اسلامی در نظر جهانیان، مزدوران رژیم را بر آن داشت که با گسترش دامنه ترور و آدمکشی به خارج از کشور، بخیال خود بخواهند جو ارباب و وحشت را بر جنبش دانشجویان متمدنی مستولی ساخته، ایستادگی و مبارزات آنها را در هم بزنند. اما دانشجویان متعهد، بویژه ادامه دهندگان راه فدائی خلق شاهرخ میثاقی، حتی تا پای تقدیم چند شهید دیگر به جنبش خلق، پیش رفته از بیمودن راه زحمتکشان دست نگرفتند. بنذار تمام دانشجویان مبارزان بدانند که تاسرتگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری حکومت کارگران و زحمتکشان راه شاهرخ ادامه دارد و با نفس گرامی و جاودان است.

امریکا و ...

بقیه از صفحه ۹

اعتقاد و علاقه‌ای به مبارزه مسلحانه در جریان انقلاب نداغتنندو چنین احساس میکردند که توافق با نیروهای مسلح قبل از مراجعت خمینی به ایران ضرورت خاصی دارد.

۵- اکنون دیگر مراجعت خمینی تقریباً قطعی بود. رسماً اعلام شده بود که شاه آماده است پس از انتصاب بختیار بعنوان نخست وزیر و تشکیل شورای سلطنت، برای یک مرخصی طولانی ایران را ترک کند. برای اغلب ایرانیان این تحولات بعنوان بزرگ انجیری بود برای خروج آبرومندان شاه و خشم نار کردن پیروزی آیت اله و انقلاب. بنا بر این مقدمات مراجعت آیت اله و همکارانش به تهران برای اوائیل سال سیحی بطور جدی در دست تهیه بود.

۱۶- همچنان که بیایان سال نزدیک میشدیم اوضاع در ایران تغییر می یافت. شاه تصمیم گرفت بختیار را بعنوان نخست وزیر انتخاب، اعضای شورای سلطنت را منصوب کرده و کشور را ترک کند. در حال او - اصرار داشت که این مراحل دقیقاً مطابق

نظریکی از مسئولین نفت ...

این جریان (وحدت کمونیستی) در هندوستان آمده از ۴/۵ میلیون برولتاریای ایران بیش از ۲ میلیون نفر آنرا برولتاریای صنعتی تشکیل میدهند. غایده و من فکر میکنم یقیناً رفقای عزیز وحدت کمونیستی کارگران بخش خدمات را هم جزو کارگران صنعتی آورده باشند. صراحتاً بگویم که برولتاریای نفت که بیشترین بخش کارگران ایران است و قلب پر طلش برولتاریای ایران محسوب میشود نه تنها از آگاهی ذهنی لازم برخوردار نیست بلکه بسیاری از آنان در بخش حفاری و کارگران پیمانی (که تعداد آنان ۱۲۰۰۰ نفر میباشد و در مقابل تمام کارکنان نفت که ۶۵۰۰۰ نفر میباشد رقم کمی نیست) منشاء روستائی دارند. ای کاش نویسنده مقاله حداقل برای مدتی کوتاه در میان این کارگران می زیست و دچار نهنیست مغشوش نمی گشت.

(این نوشته بهیچ وجه قصد تشریح و بررسی وقایع مربوطه را نداغتنه است.)
با ایمان به پیروزی کارگران و زحمتکشان از مسئولین نفت

بعنوان مشاور در مسائل ایران به کاخ سفید فراخوانده شد. جرج بال سابقه طولانی در مسائل ایران داشت. او اخیراً بعنوان عضوی از شرکت سرمایه گذاری برادران - له من از ایران دیدن کرده و با من هم در مورد مسائل ایران صحبت کرده بود. بنظر من عقایدش قابل اعتبار بود. ۱۸- هنگامی که بال برای مذاکره بعوت شده بود، ایران در حال از هم گسیختگی بود. شاه انواع فرمول ها را امتحان میکرد تا شاید بتواند همچنان در قدرت باقی بماند یا اینکه لافلسله پهلوی حفظ بشود. او ضمناً دریافته بود که سلسله - بقیه در صفحه ۴۰

قانون اساسی انجام شود و اصلاً عجله ای به خرج نمیداد (در حالیکه آمریکا خیلی عجله داشت که مبادا جنبش را دیکالیزه شود). وضعیت نیروهای مسلح متشنج شده بسود متاوران نظامی ما گزارش میداند که حالت ابهام و ناامیدی مخصوصاً در بین افسران جوانتر بروز کرده است. در ایران نیروهای مسلح به شاه، میهن و خدا - باهمین ترتیب - سوگند یاد میکنند. رفتنی شدن شاه موجب نگرانی در مورد وفاداری نیروهای مسلح شد و در صورتیکه آنها اطمینان داده نمیشد ممکن بود دست به اقداماتی بزنند. ۱۷- جرج بال، معاون سابق وزارت خارجه



سالگرد انقلاب کوبا گرامی باد



روز اول ژانویه مصادف است با بیست و چهارمین سالگرد انقلاب کوبا. در چنین روزی در سال ۱۹۵۹ بود که نیروهای مسلح تحت رهبری فیدل کاسترو وارد هاوانا پایتخت کوبا شدند. این پیروزی، نتیجه سه سال تهور و شجاعت و پیگیری مبارزاتی بود که مصمم به شکست دیکتاتوری و فساد و استثمار حکومت وابسته با ایستادگی بودند.

علیرغم کوشش‌های امپریالیسم آمریکا برای ضربه زدن به انقلاب کوبا در سطح بین‌المللی و نابودی آن با هر وسیله‌ای که در دست داشتند، مثل حملات متعدد نظامی، اقدام به ترور رهبران، از بین بردن محصولات کشاورزی، دامن زدن به جنگ میکروبی، محاصره اقتصادی و بالاخره تبلیغات سیاسی علیه مردم و رژیم کوبا، انقلاب کوبا پیروز شد. انقلاب پیروزمند کوبا نمونه بارزی از سلسله انقلابهای دموکراتیکی است که در کشور تحت سلطه امپریالیسم به ثمر رسید و به سوسیالیسم گذار کرد. امروز کوبا مثال زنده برتری نظام سوسیالیستی نسبت به سرمایه داری است. قبل از انقلاب مردم کوبا در فقر و بدبختی و زیر فشار استثمار موسسات و شرکت‌های آمریکائی زندگی میکردند. با وجود تمام فشارهایی که از طرف امپریالیسم آمریکا مستقیم و غیر مستقیم روی کوبا اعمال میشود، امروز کوبا در زمینه پزشکی، مسکن و کار از سایر کشورهای آمریکائی لاتین پیشرفته تر است.

در روز اول ژانویه ۵۹ بدنبال اعلام اعتماد عمومی در کوبا فیدل کاسترو خطاب به مردم و بویژه طبقه کارگر کوبا گفت: "دیگر هیچ چیز و هیچکس نمیتواند جلوی پیروزی انقلاب را بگیرد." و برآستی که تا بحال هیچکس نتوانسته است مانع پیروزی انقلاب کوبا گردد.

هر جا که قلبی برای آزادی می تپد، مردم برای همبستگی با انقلاب و مردم قهرمان کوبا این روز را جشن میگیرند.

خدم کارگران و زحمتکشان رژیم بدآئین
اسلامی را نیز همشین حکومت پهلوی کند،
رژیمی که نه تنها با ورزش و استعدادهای
ورزشی، بل با هرچه که توان رویش و
بالندگی دارد از بن دندان کینه میورزد.
یاد جهان پهلوان تختی قهرمان ملی
گرامی باد

تختی...

کرد و به جهان کنتی روی آورد و با -
بیروزیهای بی مانندی که بزودی در صحنه -
های ایران و جهان بیست آورد، از سوی
توده ها، جهان پهلوان نامیده شده، نامی
که برآستی او را زبینه بود.

اهمیت جهان پهلوان نه تنها در اهتزاز
اندام ورزیده اش بر سکوها یا افتخار جهانی،
بل در وفاداری استوارش به آرمانهای
سوده ها بود. جهان پهلوان تجسم زور و -
آشتی ناپذیری زحمتکشان بود. ژرفنای
فروتنی اش با مردم و صلابت گردنکشی اش
در برابر دولتمردان شخصیتی بی همتا را به
او میبخشید و حقیقتاً همین تنگرو رویگردانی -
اش از حکام وقت بود که او را با موج اقبال
توده ها روبرو میکرد.

تاریخ، همواره مایه هراس سردمداران
حکومت ننگین پهلوی بود، و این هراس
سرانجام آن فرومایگان را برآن داشت که به
شهادت دست یازند.
رژیم منفور پهلوی از بیم خدم توده ها
شهادت تختی را "خودکشی" اعلام کرد.
با اینهمه خبر "خودکشی" جهان پهلوان
موج عظیم اعتراضات توده ها را برانگیخت.
در برگزاری مراسم "هفتم" و "چشم تختی"
توده های وسیع مردم فعالانه شرکت کردند
و این مراسم عملاً به تظاهرات بزرگی بر -
علیه رژیم پلید پهلوی تبدیل شد. در -
تظاهراتی که در رابطه با شهادت جهان
پهلوان در دانشگاه تهران برگزار شد،
صدها دانشجو دستگیر شدند.

تختی نهادهای استبداد شکوفان توده -
های زحمتکش بود، که از میان مردم برخاست
با آنان زیست، و هرگز از آنان نگست.
اگرچه رژیم منفور پهلوی پهلوان را
چون هزاران مبارز دیگر راه آزادی به
شهادت رسانیده، اما سرانجام توده ها
برخاستند و آن رژیم منفور را به مزبله
تاریخ فرستادند. دیر نیست روزی که توفان

نظریکی از مسئولین نفت....

بقیه از صفحه ۴۸

میباشد ولی نقش تعیین کننده در اقتصاد جامعه ایفا نمیکند چنانکه در اعتصابات قبل از قیام علیرغم آنکه این بخش از کار افتاده رژیم هیچگاه بطور واقعی دچار کمبود مواد نفتی نگردید. زیرا از يك طرف قسمت "پروسی" (بخش تقطیر و تصفیه) برای رژیم قابل کنترل بود (بدلیل اتوماسیون پیشرفته تولید و کمی پرسنل مورد نیاز) و از سوی دیگر ولواینکه این قسمت هم از کار می افتاده تأمین مواد نفتی مورد نیاز مصرف داخلی از خارج بهسبب صورت میگرفت. کما اینکه رژیم جمهوری اسلامی علیرغم تعطیل پالایشگاه آبادان (در حقیقت از دست دادن ۶۵۰۰۰ بشکه فرآورده نفتی از مجموع حدود يك میلیون نیسان داخلی) امروز بهسبب قدرت به تأمین مواد مورد نیاز مصرف داخلی از خارج میباشد. بخش صادرات که نقش پراهمیت و تعیین کننده ای در اقتصاد تك محصولی جامعه ایفا میکند. بدلیل عدم تمرکز و تجمع کارگران در این بخش از لحاظ سیاسی - صنفی اهمیت چندانی ندارد. کارگران این بخش از نظر سیاسی عقب مانده تر از بخش تولید و تصفیه میباشد و اگر حتی تمامی کارکنان این بخش به اعتصاب کشیده شوند، بدلیل بالا بودن اتوماسیون دستگاه ها که الزاماً پرسنل کمتری مورد نیاز آن میباشد برای رژیم قابل کنترل است. چنانکه در دوران اعتصابات قبل از قیام عده کمی از کارکنان این بخش به اعتصاب پیوستند و رژیم شاه با گماردن پرسنل فنی نظامی و پرسنل خودفروخته نفتی بجای آنها از پس این مشکل خود برآمد. طبق گزارشات زیادی که بعد از قیام به سازمان داده شد و همچنانکه تمامی نفتگران بخاطر دارند، تا آخرین روزهای سقوط شاه نفت همچنان صادر میشد و قسمت "پروسی" پالایشگاه آبادان بکار خود ادامه میداد.

بهررور، پس از ۲۸ مرداد (فاجعه آتش سوزی سینما رکس آبادان) و جمعه خونین ۱۷ شهریور که شرایط لغنی برای سرنگونی رژیم شاه بسیار آماده بود و موقعیت انقلابی حاکم بر جامعه تمام توده ها و بخشهای وسیعی از کارگران را بعرضه مبارزه کشانده بود تا مهرماه ۵۷ بجز تك جوشهایی که عمدتاً بطور قانونی (مثلاً نامه نگاری به مقامات) در نفت حرکتی نبود. اولین حرکت سازمان یافته توسط بیش از ۵۰ تن از کارمندان دون پایه یکی از بخش های پالایشگاه آبادان در ۱۵ مهرماه آغاز شده که به دلیل آماده نبودن بسیاری از معین عده قلیل با وعده و وعید مسئولین ظاهراً به خاموشی گرائید. يك هفته بعد همین تعداد و کمی بیشتر مثلاً حدود ۷۰ تن اعتصاب دوباره را از سر گرفتند. پس از سه روز یعنی ۲۴ مهرماه با یورش نیروی دریائی، شهرپائی، نیروی زمینی و ساواك آبادان منجر به دستگیری و اخراج تمامی اعتصاب کنندگان شد. هم زمان با این دستگیری و اخراج تمام کارکنان پالایشگاه آبادان در اعتراض به این عمل نستان کار کشیدند و این آغاز اعتصاب گسترده و با شکوه نفتگران آبادان و گسترش آن در سطح خوزستان گردید. اما موضوعی که دقیقاً مشهود بود نقش متزلزل کارگران در این اعتصابات بود (اگرچه یکبار گزارش کامل وقایع روزانه اعتصاب تهیه شد و به سازمان ارائه گردید و يك نسخه آماده چاپ آن در - حمله به ستاد آبادان مفقود گردید. سعی خواهم کرد در فرصتی مناسب تا آنجا که وقایع بخاطرمان مانده بطور مفصل توضیح دهم. در این رابطه از سایر رفقای نفتگر که در جریان امر بودند خواهش میکنم دانسته های خود را تنظیم و در اختیار سازمان قرار دهند.) اعتصاب در آبادان، ماهیروز آغاز جاری عمدتاً توسط کارمندان جوان هدایت و رهبری میشد. و اما پس از قیام "شورای کارکنان پالایشگاه آبادان" که شامل "شورای کارمندان" و "شورای اسلامی کارگران" بودند تنها امور پالایشگاه را به دست نگرفت حتی نتوانست به



امریکا و...
بقیه از صفحه ۳۸
پهلوی رو به انقراض بوده و لازم است بصورت يك نوع مکانیسم انتقالی عناصر میانه رو سیاسی، انقلاب را غصب کنند.
۱۹- در تهران فقط من از نظر بال آگاهی داشتم. زیرا او از وزارت خارجه خواسته بود که چند تلگراف به سفارت بزنند و در مورد شخصیت های سیاسی که ممکن بود بتوانند نقش واسطه را در این مکانیسم انتقالی بازی کنند جستجو کنند. ما به این درخواست جواب دادیم ولی مطمئن نبودیم که ایمن بقیه از صفحه ۴۱



یادنشین برای همیشه در قلب و مغز زحمتکشان جهان زنده خواهد ماند.



در ۲۱ ژانویه ۱۹۶۴ ولادیمیر ایلیچ -
لنین، رهبر انقلاب کبیر سوسیالیستی کبیر
و آموزگار بزرگوار پرولتاریای جهان
درگذشت. کمونیست کبیری که ۲۷ سال تمام
با تلافی خستگی ناپذیر در کنار و پیشاپیش
طبقه کارگر و زحمتکشان روسیه و جهان
بر علیه اردوی سرمایه و ارتجاع رزمید و
در این راه پیگیرانه و بی گشت با تمام
انحرافات و کج رویهای درون جنبش انقلابی
روسیه و جنبش کمونیستی جهانی مبارزه کرد
و سرانجام در این روز دیده از جهان فرو-
بست.

مرگ رفیق لنین گرچه کارگران، -
زحمتکشان و انقلابیون کمونیست سراسر
جهان را در اندوهی بزرگ فروبرد اما میراث
عظیمی که از او بجای ماند در کنار آثار
تاریخ ساز رفقا مارکس و انگلس چراغ راه -
نمای پرولتاریای جهان در نبرد علیه
سرمایه داری و برای رهایی همه بشریت
پیشرو گردید.

یاد لنین در قلب پرولتاریای جهان و
نام عزیز او بر درفش سرخ اردوی کار و
زحمت جاودانه خواهد ماند.

☆☆☆

نظریکی از مسئولین نفت ...

تصفیه و پاک سازی مزدوران رژیم شاه و اعتصاب شکنان نست بزند. علت این امر آن بود که
"عورای اسلامی کارگران" تماماً از عناصر متزلزل تشکیل میشد که با روی کار آمدن رژیم
جدید از بروز هرگونه حرکت مترقی مانع بعمل میآورد. تنها يك عنصر مترقی در درون
این عورا بود که هم اکنون وی در ارتباط با مجاهدین مخفی میباشد. "عورای کارکنان"
که مترقی بود با وجود موانع فراوانی که در پیش رو داشت قادر به انجام کارهای مهم
و اساسی نبود (البته این بیان بهیچ وجه بمعنای نفی حرکات مترقیانه و انقلابی این
عورا نمیباشد). در مورد هیئتها و بازرگان، نماینده امام در مورد تولید نفت که قبل
از قیام رفسنجانی، بازرگان، صباغیان و دو تن دیگر به پالایشگاه آبادان آمدند. بازرگان
تلاش نمود که با مکر و حیل کارگران را تشویق بکار نمایند. اصل قنیه این بود که بازرگان
مدعی بود که يك کنتی حامل مواد دارویی در اسکنه باید تخلیه شود. در کنتی از مبداء
بارگیری مقداری نارو در پائین ترین انبار جای داده شده بود و آهن آلات، مواد غذایی
(برنج) و وسائل نفتی را در انبارهای فوقانی جای داده بودند. بازرگان هم تحت بهانه
مواد دارویی و نیاز مبرم به آنها سعی میکرد که حتماً کنتی تخلیه شود. این عمل بمعنی
کار انداختن بسیاری از بخشهای اعتصابی بود. یعنی اگر تخلیه صورت میگرفت، اداره حمل
و نقل (برای بارگیری و تخلیه)، انجین شاپ (Engine Shop) (برای تعمیرات ماشینهای حمل
و نقل) و اداره انبارها (برای تحویل اجناس) بکار می افتادند. این حیل بازرگان رو شد
و کارکنان با خودداری از این عمل نقش او را بر ملا کردند. تولید مواد نفتی مورد نیاز
مصرف داخلی که بخش اعظم آن (حدود ۶۰۰۰ بشکه در روز که در پالایشگاه آبادان تهیه
میشد) از کار نیافتاده بود که کسی تلاش کند آنها را بکار برگرداند و تولید نفت
نه تنها کاهشی نیافته بود، چه رسد به آنکه قطع شده باشد. تلاشهای کارکنان نفت خسار
برای جلوگیری از صدور نفت در آخرین روزهای نزدیک به قیام مؤید این واقعیت است.

اما اینکه نویسنده مقاله مدعی است که نفتگران "با جمعیت حقوقدانان و نمایندگان
عج خارجی رسماً مذاکره کردند" در پاسخ به این ادعا فقط میتوانم بگویم که بجز
انعکاس اخبار اعتصابات نفت در سطح جهانی هیچگونه مذاکره ای بین نمایندگان نفت بسا
جمعیت حقوقدانان و نمایندگان مجامع خارجی صورت نگرفت و تنها آقای کیا نوری در يك
کنفرانس مطلوبی در خارج از کشور مدعی شد که ۹۰٪ کارکنان نفت به "فرمان" او دست
به اعتصاب زده اند. اگر منظور نویسنده مقاله از آوردن چنین گزارشات غلوآمیز اینست که
پیش از پیش کارگران را آگاه بمنافع تاریخی - طبقاتی خود جلوه دهد، تا به تبیین
تئوریک نظرات خود بپردازد (همچنانکه وحدت کمونیستی برای جا انداختن تئوری سوسا -
لیستی بودن مرحله انقلاب، متوسل به نفی واقعیات عینی و بزرگ جلوه دادن کمیت و کیفیت
بخشی از نیروهای مولد که همانا پرولتاریاست میشود. در نشریه "جریس" ارگان هواداران
بقیه در صفحه ۳۸

هرگز به مفارقت نرسید. بعدها در ملاقاتهای
خصوصی که با جرج بال داشتیم از پیش نهاداتی
مطلع عدم.

۲۱- همچنانکه جریانات به پیش میرفت،
مذاکرات ما با آپوزیسیون روشن تر میشد.
اعضاء نهضت آزادی این امر را برای ما روشن
بقیه در صفحه ۶

امریکا و ...
بقیه از صفحه ۴۰

افراد در این شرایط بحرانی چقدر میتوانند
مؤثر واقع شوند.

۲۰- در تحلیل نهائی این امر چندان
اهمیتی نداشت زیرا کاخ سفید گزارش جرج
بال را رد کرد. نسخه ای از این گزارش



اطلاعیه درباره شماره ویژه

هیئت تحریریه "جهان" در نظر دارد که شماره ویژه‌ای به مناسبت سومین سالروز فاجعه خونین ۱ اردیبهشت (روز دانشجو) در اردیبهشت ماه ۶۲ انتشار دهد. این امر مهم بدین کمک و پشتیبانی یک یک شما ممکن نیست. از کلیه هموطنان متعهد انتظار داریم که برای انتشار نشریه‌ای که بتواند نمایانگر گوشه کوچکی از فجایع خونین دانشگاههای ایران باشد با ما همکاری کرده هرگونه سند، عکس، فیلم، طرح، شعر و یا نوشته‌ای در این رابطه در اختیار دارند برای ما (به آدرس "جهان") ارسال دارند. باشد که با همکاری و همیاری شما بتوانیم با انتشار این مجموعه خاطره شهدای این روز تاریخی را زنده داشته و گوشه‌ای از دین خود را نسبت به آنها ادا کنیم.

هموطنان مبارز!

بمنظور بزرگداشت ۲۲ بهمن سالروز قیام مسلحانه خلق

و ۱۹ بهمن سالروز ستاخر سیاهکل

در مراسمی که از سوی

سازمان دانشجویان ایرانی در آمریکا

هوادر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

بزرگوار می شود شرکت کنید.

Saturday FEB. 5
U.S.C. - Tapers Hall

7:00 PM
لوس آنجلس

Friday FEB. 11
J.C. Berkeley, Wurster Hall Room #170

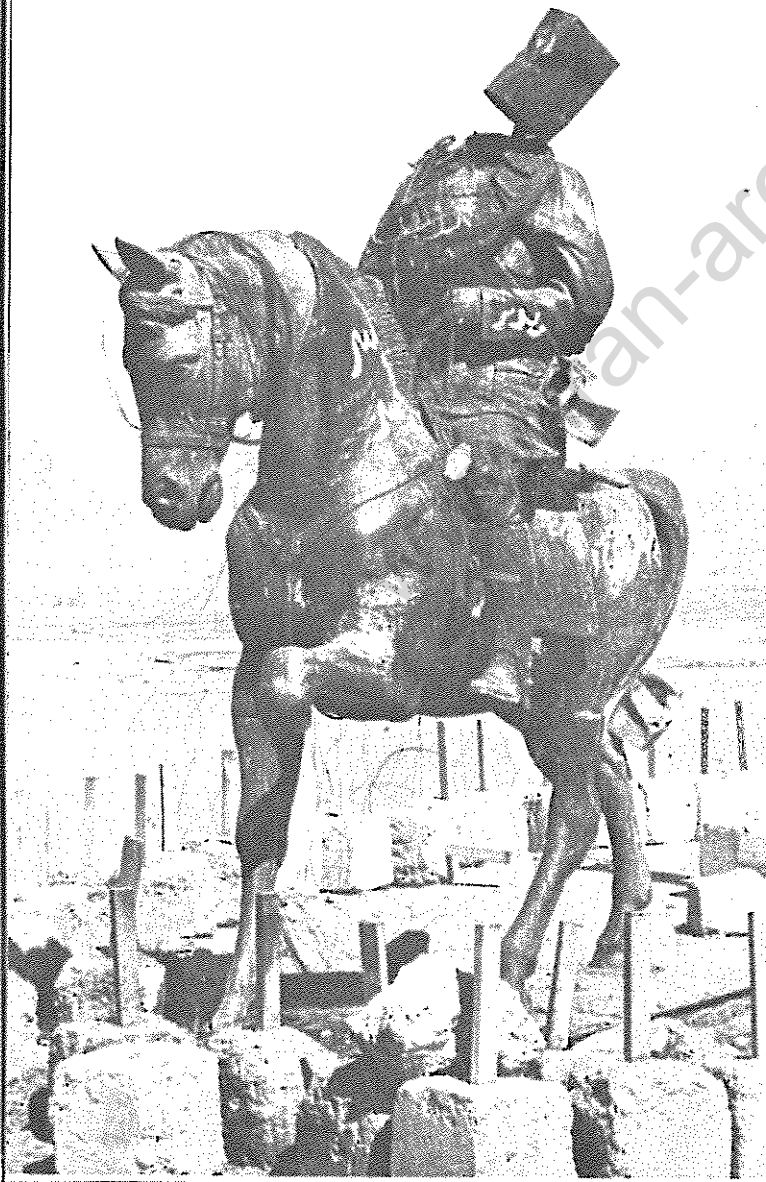
8:00 PM
برکلی

Sunday FEB. 13
2757 West Lemoyne Street
(North Ave. & California Ave.)

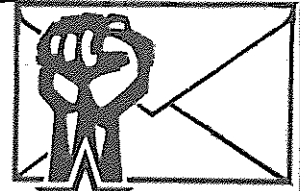
6:00 PM
شیکاگو

Sunday FEB. 19
Community Church of New York
40 East 35th Street
(Between Madison & Park Ave.)

6:00 PM
نیویورک



از خوانندگان



سعی میشود در این ستون شمار از دریافت نامه ها و مطالبات مطلع ساخته و در صورت امکان به سوالات و انتقادهای رسیده پاسخ دهیم از شما می خواهیم که در غنا بخشیدن به محتوای "جهان" در تهیه مقالات، بحث های مربوط به دیدگاهها، ترجمه مطالب مفید در باره جنبش ها و انقلابهای خلقهای دیگر، شعر و قطعات ادبی کوتاه، نقد فیلم، داستان کوتاه، نقد و معرفی کتاب، معرفی جبهه های انقلابی، اخبار، طرح، عکس، کاریکاتور و... ما را یاری رسانید.

■ رفیق نبادر: شعر ارسالی شما رسید. ضمن تشکر بموقع از آن استفاده خواهیم کرد.

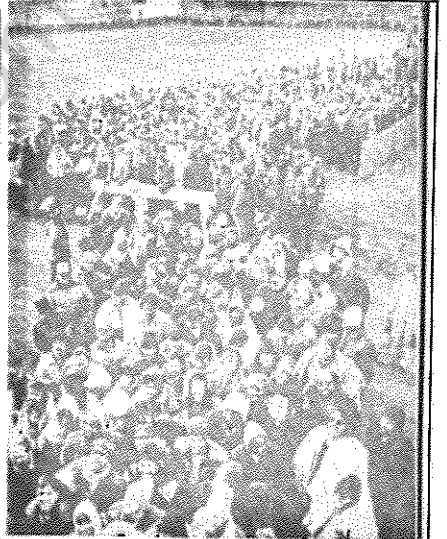
■ رفیق - از کلموس: مطلب شما در باره معرفی یک نویسنده رسید. ضمن تشکر کتباً نظر خود را برایتان ارسال خواهیم داشت.

اخبار

بین المللی

۱۲ میلیون بیکار در کشورهای با زار مشترك

بنا به گزارش جامعه اقتصادی اروپا میزان بیکاری در ماه دسامبر ۸۲ در کشور های با زار مشترك به ۱۰/۵ درصد رسید که مجموعاً ۱۲ میلیون نفر بیکار در این کشورها وجود دارند. تعداد بیکاران در این کشورها نسبت به ماه نوامبر ۲۷۲,۰۰۰ نفر افزایش یافته است. کشور بلژیک یکی از



صنایع جویندگان گاز - درحالیکه گمان می کنند نفتی در چتره پمیلوانیا فقط دنیا پیش استفاده ۱۰۰ نفر را داشت و حدود ۳۰۰۰ نفر متقاضی در یارکینگ کمپانی مذکور جهت تقاضای کار گردآمده بودند.

کشورهای با زار مشترك با ۱۵ درصد بیکاری در رأس لیست قرار دارد. ایرلند با ۱۴/۷ درصد، هلند و انگلستان ۱۲ درصد، ایتالیا ۱۱/۵ درصد، دانمارک ۹/۹ درصد، فرانسه ۹/۴ درصد، آلمان ۸/۴ درصد، لوگزامبورگ ۱/۶ درصد و یونان ۲/۴ درصد میانگین درصد بیکاری زنان در این کشورها ۱۱/۵ درصد و جوانان زیر ۲۵ سال ۴۰ درصد است. کمیسیونر کار با زار مشترك پیش بینی میکند که تا سال ۱۹۸۵ میزان بیکاری در این کشورها به ۱۵ میلیون نفر خواهد رسید (۲۳ ژانویه ۸۳ / لوس آنجلس تایمز) تعداد بیکاران در کشور امپریالیستی آمریکا به مرز ۱۳ میلیون نفر رسیده است.

توطئه ضد انقلاب در نیکاراگوئه

دولت انقلابی نیکاراگوئه اعلام کرد که نیروهای دولتی یکی از بزرگترین توطئه های ضد انقلابیون را که با کمک و همکاری مستقیم CIA بر علیه حکومت انقلابی ساندینیست ها انجام میگرفت خنثی کرده اند. در این توطئه قرار بود سه واحد تعلیم یافته مزدوران شامل ۹۰۰ نفر با تجهیزات کامل و با کمک سیا به خاک نیکاراگوئه وارد شده و قسمتی از خاک کشور را در ۱۳۰ مایلی شمال ماناگوا به اصطلاح آزاد ساخته و مرکز توطئه های خود قرار دهند. در جنگهای ۵ روزه نیروهای انقلابی، مزدوران، این توطئه بکلی به شکست انجامید.

مانور نظامی

۲۵۰۰ تفرنگدار آمریکائی همراه با نیروهای عمانی در یک مانور نظامی مشترك در منطقه خلیج فارس شرکت کردند.

آمریکا و پاکستان

ضیاء الحق دیکتا تورپاکستان بعد از ملاقات با ریگان در مصاحبه ای اعلام کرد که این ملاقات مثبت بوده است و خواهان دوستی و نزدیکی بیشتر با آمریکا شد. از طرف دیگر ریگان به ضیاء الحق اطمینان داد که آمریکا ۲/۲ بیلیون دلار کمک در عرض ۶ سال در اختیار پاکستان قرار خواهد داد.

السالوادور

بنا به گزارش یونایتد پرس انترنشنال روز غنیه ۲۲ ژانویه ۸۳، چریکهای انقلابی در السالوادور یک حمله ارتش ضد خلقی السالوادور را که مرکب از ۶۰۰۰ سرباز بود در نزدیکی مرز هندوراس دفع کردند. بنا به اعتراف افسران ارتش السالوادور، چریکها مواضع آنها را با توپهای دور زن ۱۲۰ میلیمتری مورد حمله قرار دادند و چندین پایگاه را آزاد نمودند. بنا به همین گزارش این اولین بار بود که در طول جنگ داخلی سه ساله السالوادور، انقلابیون سلاح های سنگین با برد ۳ مایل بکار میبردند. همین

گزارش حاکی است که جت های ساخت آمریکا مناطقی آزاد شده را بمباران کردند. بنا به اعتراف ایک اف آر تری در این درگیری حد اقل ۹ سرباز ارتش کشته شدند. رادیو چریکهای السالوادور اعلام داشت که ظرف دو هفته گذشته، نیروهای انقلابی تعداد ۱۳۰ تن از نیروهای دشمن را به اسارت گرفتند. در عین حال سربازان ارتش اظهار داشتند که جمعه شب هواپیماهای نیروی هوایی بطور اختبالی مواضع ارتش را در شهر ایسیدرولابردو در ۴۸ مایلی شمال مرکزی پایتخت بمباران کردند.

پل...

بقیه از صفحه ۳۲

ستمبار موجود و ... قابل افتقاد است. بهر حال نقاط قوت و موفقیت های -

فرخشان فیلم ضعف های آنرا تحت الشعاع قرار میدهد. دیدن این فیلم برای هر کسی که عشق به توده ها، عشق به زندگی و زیبایی و اعتقاد به مبارزه علیه ستم و استثمار - دارد لذت بخش، آموزنده و فراموش نشدنی است. با دیدن این فیلم میتوان به اندازه خواندن چند کتاب درباره جامعه ترکیه و فرهنگ مردم آن چیزها آموخت.

نماهایی است که میتوان در بربرده سینما نقش ببندد. مسلماً فیلم پل خالی از ضعف و نارسائی نیست. از جمله توجه اندک آن به زیربنای اقتصادی جامعه و تکیه دائمی بر ستم فرهنگی و بی توجهی به استثمار اقتصادی و عدم ارائه تصویری روشن از ارتباط عوامل زیربنائی با فرهنگ وروینای

«فضای باز سیاسی» امامانه

بقیه از صفحه ۳

با افتادن سیاست «ائتلاف جدید» نبود. روشن است که با غلبه سیاست «ائتلاف جدید» منافع و خواسته‌های خرده بورژوازی سنتی که پایه توده‌ای رژیم را تشکیل می‌داده است

که مسئله عمده شان عدم وجود امنیت و نظم لازم برای حرکت سرمایه، هرج و مرج قضائی و فقدان آزادی‌های فردی و فضای لازم برای دنبال کردن فرهنگ‌گستران منطبق بورژوازی می‌باشد که با فرهنگ قشری و عقب مانده و تعصبات و محدودیت‌های قرون وسطائی رژیم

روشن است که رژیم موعود خمینی در حیطه رفع مزاحمت‌ها از سر خرده بورژوازی مرفه مدرن و جلب سرمایه داران فراری تکنوکرات‌ها و متخصصین ناراضی و لیبرال و وابستگان و خدمتگزاران رژیم سابق می‌باشد که مسئله عمده‌شان عدم وجود امنیت و نظم لازم برای حرکت سرمایه هرج و مرج قضائی و فقدان آزادی‌های فردی و فضای لازم برای دنبال کردن فرهنگ و ارزش‌های منطبق بورژوازی می‌باشد که با فرهنگ قشری و عقب مانده و تعصبات و محدودیت‌های قرون وسطائی رژیم در تعارض است.

به خطر می‌افتد. زیرا «ائتلاف جدید» بر آن است که بن بست اقتصادی - سیاسی کنونی را با بجریان انداختن سرمایه‌های بزرگ و وابسته در ادامه راه دوران قبل از قیام و ایجاد روابط بوروکراتیک لازم آن خاتمه دهد. روابطی که در رژیم گذشته بنا به ماهیت خود، منافع خرده بورژوازی سنتی را نادیده گرفته بود.

بنظر می‌رسد در «رهائی» از بن بست کنونی، خمینی که خود همواره تلاش در پیاده کردن قوانین دگم اسلامی داشت، ولی جو جامعه را نیز همواره در نظر می‌گرفت، رضا داده است که موقتاً با نادیده گرفتن جزم‌های اسلامی و پذیرش یک روش - پراگماتیستی با اصطلاح مجموعه رژیم را از خطر سرنگونی برهاند که البته محال است خمینی تلاش می‌کند بهر وسیله ممکن موجودیت رژیم جمهوری اسلامی را حفظ نماید. شواهد نشان می‌دهد که فرمان اخیر او تقویت سیاسی است که نه‌اینجا «بنفع» ائتلاف جدید تمام می‌شود. رژیم موعود در خدمت چه کسانی است؟

۱- روشن است که رژیم موعود خمینی در حیطه رفع مزاحمت‌ها برای خرده بورژوازی مرفه مدرن و جلب سرمایه داران فپبرای، تکنوکرات‌ها و متخصصین ناراضی و لیبرال وابستگان و خدمتگزاران رژیم سابق می‌باشد

درآمد داشته باشیم. شما اگر درست حرکت کنید تا قیامت در حکومت اسلامی غفل، تجارت، کاسبی، بقالی، عطاری، پارچه - فروشی و معدن داری و کارخانه داری و غیره نیز آزاد است.

موسوی نخست وزیر نیز به دنبال پیام خمینی اعلام می‌کند: «اگر ثابت شد افراد با وجود لغزش‌هایی ناشی از فرهنگ کثیف رژیم سابق قصد خدمت دارند با کمال گذشت با آنها رفتار شود. گروه‌های تحقیقات در صورت مشاهده لغزش در پرونده خصوصی اشخاص نباید آنها را افشا نمایند»

همین خمینی که تا دیروز دستور داده بود مردم را به جرم نوشیدن مشروبات الکلی شلاق بزنند و خلخال جلاش صفا نفر را در ارتباط با استعمال و پخش مواد مخدر تیرباران میکرد و ده‌ها نفر را به جرم فحشا و غیره سنگسار و اعدام کرده اند - امروز به یکباره چنین می‌گوید:

«موکداً تذکر داده میشود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی افساد علیه نظام جمهوری اسلامی از روی خطا و اشتباه به منزل شخصی یا محل کار وارد شدند و در آنجا با آلت‌لهو یا آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی مثل مواد مخدر برخورد کردند حق ندارند آنها پیش دیگران افشا کنند.» آری عمده مواد پیام خمینی و به دنبال آن تبلیغات و تفسیرات سران رژیم حاکی از تلاش دیگر در جهت جلب سرمایه داران و خاطر جمعی به آنها دادن و ایجاد «فضای باز سیاسی و فرهنگی» برای اقصای مرفه جامعه است.

۲- پیام ۸ ماده‌ای خمینی موکداً و صریحاً نیروهای انقلابی و مبارز (به گفته خمینی گروه‌های مخالف اسلام و نظام جمهوری اسلامی) را در برخورداری از «مراحم» و «مزایای» آن مستثنی کرده است. او تلاش دارد حساب انقلابیون را از حساب کسانی که فقط خواهان

فعلی در تعارض است. مطالعه دقیق بندبند پیام خمینی بخوبی نشان می‌دهد که قصد رژیم جلب نظر و رضایت چه کسانی است. خمینی با وقاحت تمام تصفیه عناصر وابسته به ساواک و رژیم سابق را ناشی از «اشکال تراشیده» جاهلانه که گاهی از تندروها سرزده میدانند و می‌گوید «میزان حال فعلی اشخاص است با غرض عین از بعضی لغزش‌هایی که در رژیم سابق داشته اند» و بدنبال او رفسنجانی در خطبه نماز جمعه در قم شهر و تشریح «فرامین تاریخی امام» می‌گوید: «الان - دنبال ساواکی دیگر نگردید. ساواک مرد و ساواکی رفت... روی گذشته‌ها دیگر کم باید حساب بشود و یا نشود، روی آینده و فعلیت باید حساب بشود. مزاحمت‌های بی جا باید برطرف شود و آدم‌های بسیاری را می شناسیم که الان بسیار خادمند ولی اگر میخواستیم گذشته‌شان را نگاه کنیم باید لگد به آنها بزنیم و آنها را بیرون بیندازیم، دیگر آنجور عمل نکنید... تصفیه کنش مواظب باشند امام با صراحت فرمودند یک کسی در زمان شاه یا در زمان بنی صدر یک خللائی کرده، حالا دیگر تا ابد نباید این جوب خلای آن زمان را بخورد...» و بعد خطاب به خرده بورژواها، تجار و سرمایه دارها می‌گوید: «نگوئید که تعاونیه‌ها و فلان نمی گذارند که ما زیاد



فصلی باز سیاسی امامانه

تست‌یابی به امتیازاتی هستند جدا کنند. در میان فرامین صادر شده حتی برای حفظ ظاهر هم که شده یک بند در جهت دعوی - اصلاحاتی به نفع زحمتکشان به چشم نمی‌خورده چرا که رفیعی که بتواند اولین خواسته‌های کارگران، زحمتکشان و سازمان‌های سیاسی آنها را مورد خطاب قرار دهد لازم‌الاجرا ایجاد تغییراتی هرچند سطحی و ناچیز در زمینه تار، مکن، حق تدکیل سندیکا و اتحادیه، حق اعتصاب و تقسیم زمین بین دهقانان - آزادی بیان، قلم و اجتماعات، رفع تبعیضات ملی و قومی و جنسی (نابرابری زن و مرد) و ... خواهد بود. حال آنکه تمام فرامین اخیر خمینی از حد دعوی کم کردن فشار بر روی اقرار مرفه خرده بورژوازی مدرن و بورژوازی لیبرال تجاوز نمی‌کنند. این وعده رفرم حتی در مقایسه با "فضای باز" - سیاسی، ناها نه نیزه سطحی تر و محدودتر و مسخره تر است. زمانیکه بحران سیاسی و اقتصادی و فساد و سرکوب و خفقان رژیم منفور بهلوی جامعه را به حالت انفجار نزدیک کرده بود و بر بستر آن تضادهای درونی حکومت شکل میگرفت و از طرفی هم سیاست "حقوق بشر" کارتر خواستار تغییراتی در چهره سرکوبگر و فاشیستی رژیم‌های وابسته‌ای از قبیل رژیم شاه شده بود، سیاست "فضای باز سیاسی" و مبارزه با فساد و دستگیری و محاکمه تعدادی از مهره‌های رژیم، بعنوان راه گشای بحران ارائه گردید اما نتایج حاصل از آنرا دیدیم. حال باید دید "فضای باز سیاسی" امامانه در عمل چه میکند و حتی در همین محدوده خود چقدر به اجرا در خواهد آمد.

۳- گذشته از اهداف فوق رژیم سعی دارد با دعوی رفرم و جابجا کردن مهره‌ها و منکوب نمودن نهادهای و عناصر تندرو و آنارشیزا و محدود کردن حرکت هیستریک خرده بورژوازی سنتی و روحانیت در اصرار به احیا و تحمیل سنت

نبود که "اجازه داده باشند تو خیابان گناه بشود یا زن، بی حجاب بیاید بیرون" بهر حال به اجرا در آمدن دستورات خمینی متضمن مهار شدن و منکوب کردن معترضین و "دستان حزب الهی تندرو و ناآگاه" رژیم از یک طرف و عدم رشد مبارزات مردم - بخصوص سازمان‌های انقلابی از طرف دیگر است رژیم جمهوری اسلامی، همانطوریکه اشاره شد پس از یکا رگیری انواع شیوه‌های تجربه شده و تجربه نشده سرکوب در جهان، درمانده شده است. رژیم به رغم خود سعی کرده است که با استفاده از افت جنبش پس از یک دوره سرکوب و پراکندگی نیروهای انقلاب و خلع جو انقلابی مناسب، با احتیاط پسک سری رفرم را در دستور کار قرار دهد. این رفرم بهر دو گونه واقعی و یا ظاهری اشارات اجتماعی خود را بر بخش‌های گوناگون خواهد گذاشت. اولاً چنانکه اشاره شد ممکن است انجام رفرم به صورت جدی بودن آن، تضاد درون حاکمیت را عریان تر سازد چیزی که بهر حال به رشد جنبش کمک میکند. ثانیاً این امر خواه ناخواه علیرغم خواست رژیم قدری از فشار موجود علیه حرکت نیروهای آجوزیسمون را کاهش میدهد. اگر این پیش فرض‌ها درست باشد روشن است که رژیم برای جلوگیری از رشد مجدد جنبش سرکوب را مجدداً

و فرهنگ قرون وسطانی، چهره کریه و جنايتکار را و ارتجاعی خود را در انظار جهانیان و در سطح بین المللی تغییر دهد و نوعی اعاده حیثیت نماید. و از طرفی نیز به امپریالیست‌ها و بورژوازی جهانی نشان دهد که حاضر است بتدریج خود را با ضوابط و استانداردهای "حقوق بشر" بورژوازی منطبق سازد. بیپرده نیست که بسیاری از روزنامه‌های امپریالیستی در مقالات اخیر خود درباره ایران نسبت به پیام خمینی و اصولا تغییرات جدید و شکل گیری یک "جناح پراگماتیست" در درون حاکمیت اظهار خوشبینی میکنند. کاتال تلویزیون فارسی زبان وابسته به بورژوازی بزرگ و طرفداران شاه در آمریکا نیز پیام خمینی را نویدی برای "فضای باز سیاسی" و حرکتی امیدوار کننده ارزیابی نمود.

نتایج احتمالی رفرم موعود

میتوان پیش بینی کرد که رژیم از یک طرف برای اثبات جدی بودنش در وعده‌های اصلاحی، احتمالاً تعدادی از مهره‌های منفور و جنايتکارش را از کاربرکنار و یا حتی دستگیر و محاکمه نماید. برکناری داستان قم و تبریز نمونه‌هایی هستند در همین رابطه. اما از طرف دیگر خود این حرکت میتواند تضادهای درونی رژیم را

امروز رژیم جمهوری اسلامی از فرط ناچاری متوسل به "رفرم" شده است. اما از قبل پیداست که سیاست سرکوب همه جانبه و وحشیانه رژیم با چند رفرم مشروط تغییر نخواهد کرد. مشکل رژیم بسیار اساسی تر از آنست که بتوان با کاهش توحش آنرا حل نمود. جامعه ایران تنها با یک دگرگونی بنیادین میتواند از بحران اقتصادی و سیاسی فعلی بدرآید و اولین شرط این دگرگونی سرنگونی قهرآمیز رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است.

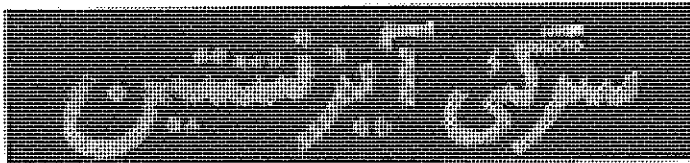
تشدید خواهد کرد. نتیجتاً رفرم خودبخود نفعی خواهد شد. شدت یا بی دوباره سرکوب، با توجه به نکات مطرحه در پیام خمینی که خود افشاگر سرکوب‌های قبلی رژیم است، اثرات خود را بر تمام اتحاد جامعه و دشمن اجتماعی و سیاسی باقی خواهد گذاشت.

بقیه در صفحه ۶

تشدید نماید و اعتراض و مخالفت "تندروها" و جزمی گراها نسبت به این نوع "اصلاحات" بر ملا سازد. چنانکه رفسنجانی برای تخفیف بخشیدن به این نوع اعتراضات و مخالفت‌ها میگوید که مفهوم دستورات اخیر امام همان چیزهایی که لیبرال‌ها میگویند نیست هدف امام در مورد عدم سختگیری به معنای این



معرفی چهره‌ها گ ادب و هنر مترقی



کشتی‌های لنگرانداخته نیروی دریائی تزاری نزدیک میشود، ناریان کشتی‌های دیگر از تیراندازی بروی معطساران خود سربلجی میکنند و به آنها اجازه میدهند که آزادانه بگریزند و این مظهر و کنایه‌ای از همستی مردم روسیه در - انقلابی نهائی بر ضد حکومت تزاری بسود. بملاحظه* این نکات* آیزنشتاین نقشه* سابق خود را کنار گذاشت و آن چنسد صحنه‌ای را که در ابتدا برای پلکان اوسا در نظر گرفته بوده گسترش داد و بصورت یک فیلم شش حلقه‌ای درآورد و آنرا "بتمکین" نامید.

امروزه هم وقتی که "بتمکین" را تماشا میکنیم مانند تختین روزی که این فیلم در سال ۱۹۲۵ از کارگاه درآمد، آنرا گیرنده و بدیع میابیم. در هیچ فیلم دیگری یک حادثه تاریخی بعنوان یک سبیل کوچک از همه اجتماع بدین شکل ساخته نداده است و نیز هیچ فیلمی بدون ناغتن قهرمان یا داستان معین و مشخصی به این اندازه موثر و مهیج نبوده است. تاثیر بصری آن، نیروی تاوی و مهارت برش آن، همه قدرت و توانائی خود را برای اثر کردن در بیننده و به شگاف آوردن او بکار میبرند. از فصل اول فیلم، که امواج خروشانسی را نشان میدهد که به ساحل حمله میکنند و ختم آنها هر دم افزایش می یابد، تا آخرین صحنه* آن که تمام بدنه* کشتی که از بائین دیده میشود نمایانگر آنست که آیزنشتاین

۱۹۰۵ باز د آیزنشتاین در نظر داشت که وقایع مهم انقلاب وسیع ۱۹۰۵ و سرکوبی سبانه* آن بست نیروهای تزاری را روی پرده آورد. ابتدا چند صحنه در لنینگراد فیلمبرداری کرده و سپس به اوسا رفت تا چند صحنه* کوتاه از شورش معروف - جاشویان کشتی زره دار "بوتمکین" را تهیه کند. اما هنگام که پلکان عظیمی را که از مرکو اوسا تا اسکله گسترده بوده مشاهده کرده و به یاد آورد که روی همین پلکان قزاقان صدها تن از مردم شهر را که با جاشویان بوتمکسین ابراز همدردی میکردند، به گلوله بستند و از بای درآوردند، یقین حاصل کرد که قلب و کانون اصلی فیلم خود را یافته است. وی پلکان اوسا را سبیل کامل انقلاب ۱۹۰۵ تشخیص داد.

آیزنشتاین در همین یک صحنه، تصویر کاملی از نیروهای اجتماعی را که در آن سال در سراسر روسیه بجوش آمدند، رسم کرده، بطوریکه مبارزه طبقاتی و نفرت مردم از رژیم تزاری و ظهور رهبران - انقلابی سرخست همه در آن نمودار بود. کشتار روی پلکان نشان دهنده* سرکوبی و حثیانه‌ای بود که پس از انقلاب در - سراسر روسیه انجام گرفت؛ و یکی دیگر از نمونه‌های نظر تحقیرآمیز دولت تزاری نسبت به مردم روسیه بود. اما علاوه بر اینها، برای تشدید اثر نمایش فیلم، اشارهای نیز به "بایان خوش" در فیلم دیده میشود.

هنگامی که کشتی "بتمکین" به -

سرگی آیزنشتاین در سال ۱۸۹۸ در ریگا زاده شد. مدتی در مدرسه مهندسی پتروگراد تحصیل کرد. از آنجا که علاقه* اصلیش به هنرهای بصری بوده به معماری روی آورد. به دنبال انقلاب به ارتش سرخ پیوست و مدتی به عنوان قاش در زمینه* تبلیغات تصویری کار کرد و سپس با تئاتر پرولت - کولت (فرهنگ کارگری: Prolet Kult) مسکو به همکاری پرداخت. آیزنشتاین پس از چهار سال همکاری با پرولت کولت که تجارب فراوانی به دست آورده بود به این نتیجه رسید که محدودیت‌هایی هست که تئاتر را از واقعیت جدا میکند و برسر همین موضوع همکاری‌اش را برآن داشت که نمایش ماسک‌های گاز (Gas Mask) نوشته* ترتیاکوف را در محیط واقعی یک کارخانه* گاز مسکو اجرا کنند. او از پیش یک اصل را یمناً به راهنمای خود اختیار کرده بود و آن عبارت بود از اینکه "واقع گرائی را بخاطر واقعیت کنار بگذارد. استودیو و دکور را بخاطر مکان و شخص اصلی رها کن." اجرای نمایش در کارخانه گاز آیزنشتاین را مطمئن کرد که هنوز میان زندگی که بازیگران نمایش میدهند و محیط واقعی شکافی هست و معتقد بود که تنها سینما میتواند این شکاف را پر کند.

فیلم اعتصاب (Strike) اولین فیلم آیزنشتاین است که او را بعنوان یک کارگردان به عالم سینما معرفی کرد. دولت شوروی بعنوان قدرانی از توفیق آیزنشتاین در ساختن فیلم "اعتصاب" او را مامور ساخت فیلمی به یا انقلاب

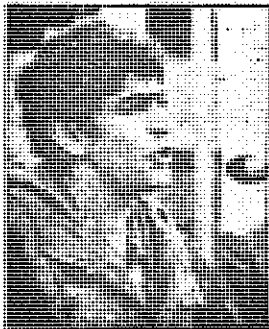


معرفی چهره‌های ادب و هنر مرفقی

بر قرار میکند و "جاذبه" تکان است که آنها را به هم پیوند میدهد و باعث میشود که ما نیز وحشت و بیجاگی آن - دانشجو را احساس کنیم. هر يك از این نماها با آگاهی از رابطه آن با نماها دیگر فیلمبرداری شده است.

ولی شاید بررگترین کشف آیزنشتاین در زمینه پیوند کشف اختلاف بین زمان بقیه در صفحه

گرامی‌یاد خاطره مجاهد شهید موسی خیابانی و همرزمانش



روز دوشنبه ۱۹ بهمن ۶۰، مجاهد خلق موسی

خیابانی یکی از رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران به همراه معسومین و همرزمان مجاهد آذر رشتی و مجاهد شرف ربیعی بدنبال یورش - سیمانه پاسداران دهنش خمینی به شهادت رسید. مجاهد موسی خیابانی مبارز خستگی ناپذیر دوران سیاه دیکتاتوری ما لیا از عمر مبارزاتی خود را در شکنجه گاهای دژخیمان شاه گذراند. بالاخره در آستانه قیام خونین بهمن زمانیکه درهای زندان‌ها بدست توانای مردم گشوده شد آزاد و به صفوف فشرده خلق پیوست. بعد از قیام بهمن او مبارزه را علیه غاصبین مرتجع قدرت ادامه داد و سرانجام در راه آرمانش و برای نجات میهنش از چنگال حکومت چهل و عقب ماندگی رژیم خمینی جانفشانی کرد. یادت گرامی باد.

کمتر میشود. در عین حال که "پوتمکین" بر استاز نمونه‌های عالی "جاذبه" تکان فن پیوند فیلم به هیچ وجه محدود و منحصر به همین یک شیوه نیست. از میان صدها نما که يك فیلم داستانی را تشکیل میدهند، فقط تعداد کمی را میتوان بدین صورت بهم پیوند داد، یعنی اینکه به وسیله اندیشه‌ای واحد به هم مربوط شوند و مطلبی واحد را بیان کنند.

هنگامی که آیزنشتاین اسلوب "تکان" را در صحنه شگفت آور "پلکان" فیلم -

"پوتمکین" بکار برده برده را با تصاویر بسیار نیرومند پر میکرد و سرچشمه این نیرو عبارت بود از تداعی غریزی نه من تماشاگران از مضمون و محتوی يك نما با مضمون و محتوی نمای بعد از آن. در يك نما قزاقی شمشیر خود را به شدت فرود می‌آورد، در نمای بعد درشت نمای - (close up) چهره زنی است که

عینک خرد شده و صورتش خونین است. يك نسته از قزاقان آتش میکنند و ما مادر جوانی را می بینیم که به شکم خود چنگ میزند و خون از لای انگشتانش جاری میشود. کالسکه بهاش معلق زنان از پلکان سرازیر میشود و ما این جریان را از دریچه چشمان وحشترزده دانشجوئی تماشا میکنیم که پائین پلکان خم شده است و همچنان که کالسکه سقوط میکنند سر او به همراه آن میچرخد. البته آنچه ما می بینیم در حقیقت نماهای مستقلی است که جداگانه برداشته شده اند. نمای آتش کردن تفنگ‌ها، نمای زنی که نقشش تیر خورده را بازی میکند، نمای کالسکه -

ای که از پلکان فرود می‌آید، و نمای که سر خود را میچرخاند. پیوند این نماها است که در ذهن میان آنها رابطه

فیلم خود را بعنوان مجموعه‌ای از تصاویر به طریقی کاملاً تازه و انقلابی به هم پیوند میدهد. داده است. در نظر او همه چیز بستگی دارد به اینکه با نماهای جداگانه روی میز مونتاژ چه پیوندهائی میشود. در همه نماها با در نظر وضع آنها در تمام فیلم برداشته میشوند اما نظریه‌ای که در این سبک نهفته بوده خواست خود آیزنشتاین میباشد. آیزنشتاین این نظریه را "جاذبه تکان" (Shock Attraction) می نامد.

آیزنشتاین نظریه خود را در باره پیوند فیلم با مطالعه خط هیروگلیفی ژاپنی فرمولبندی نمود. وی دریافت که تصویر کلمه ژاپنی "گریه" ترکیبی از دو طرح "چشم" و "آب" میباشد و "اندوه" با تصویر "دل" و "کارد" نمایش داده میشود و تصویر کلمه "آواز" از "نغان" و "برنده" پدید می‌آید. آیزنشتاین احساس کرد که با کنار هم گذاشتن چندین تصویر کاری صورت میگیرد که از جمع کردن ساده دو اندیشه قدم فراتر میگذارد. این کار آن دو اندیشه را "منفجر" میکند و از آنها مفهوم تازه‌ای پدید می‌آورد که عبارت باشد از گریه، اندوه، یا آواز. و چون سینما عبارت از ایجاد رابطه‌ای جدید میان تصاویر مستقل میباشد بنا براین موضوع در مورد ساختن فیلم نیز صادق است. در واقع آیزنشتاین اصرار داشت که این عیوه در فن فیلم اهمیت اساسی دارد زیرا که تماشاگر را بطور فعال در ادراک و اتمام مقاصد هنرمند شرکت میدهد.

با همه خشکی آیزنشتاین در بحث‌های نظری، باید دانست که وی هنگام عمل و کار کردن روی فیلم، جنبه جزیی این بسیار



اخبار جنبش دانشجویی

هواداران مجاهدین

انحصارطلبی، تغییر سیاست
و یا حسابگریهای کاسبکارانه؟

درشرا یبلی که جنبش نیا زمندا اتحاد هرچه
بیشتر علیه رژیم دد منش جمهوری اسلامی است،
هواداران سازمان مجاهدین خلق با اتخا
سیاست های غلط و انحصار طلبانه مانع از
یا فتن چنین اتحادی میشوند.

در زیر سه گزارش از آکسیون مبارزاتی جنبش
دانشجویی خارج از کشور نقل میشود. سه گزارش
مذکور که از سه کشور مختلف تهیه شده است نشان
دهنده سه نمونه از انحصارگری، حسابگریهای



پانزدهمین سالگشت شهادت تختی قهرمان ملی گرمی باد

مقدم دیماه مصادف بود با پانزدهمین
سالگرد شهادت جهان پهلوان غلامرضا تختی،
مبارز آزاده ای که از میان توده های
زحمتکش برخاست و تا پایان زندگی -
افتخار آمیزش از آرمان توده ها روی بر نتافت
زندگی نامه جهان پهلوان سرشار از شهادت
و شجاعت است. او به سال ۱۳۰۹ در محله ای
خانی آباد تهران در خانواده ای غرافتمند
چشم بدنیای زحمتکشان گدوده و از همان
روزگاران کودکی با محرومیت های زندگی
آشنائی یافت. در جوانی تحصیل را رها

نظریکی از مسئولین نفت

«در رابطه با مسائل ملروحه در "ترازنامه و چشم انداز" در مورد وضع کارکنان نفت»

در بولتن مباحثات شماره ۱۱ مقاله "ترازنامه و چشم انداز" آمده است "چنانکه در
فروردین ماه ۵۸ شورای کارکنان پالایشگاه آبادان "پدید آمد که امور پالایشگاه را
را بست گرفته و یکماه بعد با ورود مدیران جدید منتخب دولت موقت و مورد تأیید خمینی،
امور را بدانها سپرد" و در جای دیگر آورده است: "نفتگران، پیشنهاد بازگشت نمایندگان
امام را در مورد تولید نفت رد کردند و با انصاری مدیر عامل نفت (رژیم سلطنتی) مذا
کردند. بی توجه به تهدیدهای دولت، میزان تولید نفت را کاهش دادند و بعد بکلی قطع
کردند. جلو صدور نفت را گرفتند. با جمعیت حقوقدانان و نمایندگان مجامع خارجی رسماً
مذاکره کردند و برخی از مدیران را اخراج کردند." در اینجا وارد این بحث نمیشویم که
نویسنده مقاله از آوردن چنین گزارش غلوآمیز چه منظوری داشته است، اما با توجه به
اینکه خود در متن تمام اعتصابات بودم لازم دانستم مطلبی را هرچند مختصر ولی ضروری
جهت روشن شدن باره ای از واقعیات بیان نمایم. پس برای درک بهتر مطلب میبایست از چگونگی
مکانیزم صنعت نفت آغاز کنم.

مکانیزم صنعت نفت به دو بخش اساسی قابل تفکیک است: ۱- بخش تولید و تصفیه،
۲- بخش صادرات. بخش تولید و تصفیه شامل شرکت های حفاری که مسئولیت حفر چاه و آماده
نمودن آنرا برای استخراج و پالایشگاه های ایران (آبادان، اهفان، شیراز، تهران،
تبریز و کرمانشاه) که مسئولیت تصفیه و تأمین فرآورده های نفتی مورد نیاز مصارف
داخلی را بعهده دارد، میباشد. این بخش از نظر سیاسی بدلیل تجمع و تمرکز کارگران در
آن دارای اهمیت فراوانی است و اگرچه تأمین کننده فرآورده های مورد نیاز مصرف داخلی
بقیه در صفحه ۴۰

توطئه امریکا علیه نیکاراگوئه، خلیج خوکها تکرار میشود؟

آمریکا مسئول تدارك توطئه ای از نوع
"خلیج خوکهای کوبا" در نیکاراگوئه میباشد
برای امپریالیستها بخصوص آمریکا وجود -
دولت انقلابی نیکاراگوئه غیر قابل تحمل
است. آنها نیکاراگوئه را به مثابه
کانونی خطرناک برای گسترش انقلاب و -
جنبش های رها نئی بخش در آمریکا مرکزی
و پشتیبان اصلی انقلابیون السالوادور تلقی
میکند.

از اواسا تا بستان ۸۲ به رهبری
سازمان جاسوسی CIA و با همکاری دولت -
های هندوراس، آرژانتین، کوستاریکا،
اسرائیل و فراریان حامی ساموزا و بقایای
"گارد ملی" توطئه های سیستماتیک تدارك
دیده میشود تا از طرق مختلف ثبات دولت
فعلی نیکاراگوئه را به خطر انداخته
زمینه های سرنگونی آنرا فراهم سازند.
اخبار مربوط به این توطئه ها نه تنها از
بقیه در صفحه ۱۰

مستحکم باد پیوند جنبش دانشجویی با مبارزات توده ها

بگذار خبیث مزيج اقتصاد را "مال خير" بداند. اما تاريخ گواهي
مدهد که خيانت نژده اي و قمار ۱۳۰۷ نه بدست مبار بان حکومت
اسلامی و بلکه از ر و نه ها و ايتاري ها و اقتصاد تبهيدستان
و ستشيدگان حاشيه نشين (خان اوجده و نه) آغاز گرديد. تا
فقر و استعمار وستم هست ما روزه هست. نه غارت خبيث و نه کليسيای
باب روزه و مير طوري سرمايه هيچکدام قادر نخواهند بود حرکت تاريخ
را متوقف سازند.

